



کنش‌ها و واکنش‌ها به نمانهنگ «رهایی»

ماجرای آن‌جا آغاز شد که مؤسسه فرهنگی، هنری وصف صبا با انتشار دو نمانهنگ یکی با صدای محمد معتمدی («غم‌پنهان») و دیگری با صدای سالار عقیلی («رهایی») از تدوین قطعاتی که این خوانندگان پیش‌تر خوانده بودند، روی تصاویری از هشتمین رئیس‌جمهور ایران و همراهانش در پی حادثه تلخ‌ر خداده برای آن‌ها خبر داد. قطعه «غم‌پنهان» مربوط به آلبوم «حالا که می‌روی» (۱۳۹۷) و قطعه «رهایی» برای سریال «شاه‌رگ» (۱۳۹۹) بود. با انتشار این نمانهنگ‌ها، سالار عقیلی با انتشار پستی در فضای مجازی نوشت: «قطعه «رهایی» مربوط به سریال «شاه‌رگ» است که در سال ۱۳۹۹ منتشر شد. به خاطر استفاده غیرقانونی از صدای بنده توسط شخصی به نام محمدرضا شفیعی، مجبور شدم این پست را بگذارم که شما مردم عزیز و مهربان کشورم در جریان قرار بگیرید.» پس از آن روابط عمومی مؤسسه فرهنگی، هنری وصف صبا در واکنش به اظهارات سالار عقیلی اعلام کرد: «تمام حقوق مادی و معنوی این قطعه مربوط به مؤسسه فرهنگی، هنری وصف صباست و برای استفاده از آن نیازی به اجازه از کسی ندارد.»



کناره‌گیری از جشنواره اسرائیلی

کن لوچ و مایک لی، به‌عنوان حامیان سینمافونیکس در لندن در اعتراض به محل برگزاری جشنواره فیلم تحت حمایت دولت اسرائیل، از سمت خود استعفا دادند. ایسناضمن اعلام این خبر نوشت، سینمافونیکس لندن که یکی از قدیمی‌ترین سینماهای بریتانیاست، میزبان جشنواره بین‌المللی فیلم «Seret» شده است که با حمایت اسرائیل برگزار می‌شود اما گروه‌های همبستگی طرفدار فلسطین، همچنین گروهی از کارکنان و مدیران این سینما، خواستار عدم برگزاری این رویداد سینمایی به‌دلیل ارتباط جشنواره با وزارت فرهنگ اسرائیل و سفارت اسرائیل در بریتانیا شده‌اند. کن لوچ و مایک لی، دو کارگردان سرشناس بریتانیایی هر دو به‌طور مستقل در گفت‌وگو با گاردین تأیید کردند، در پی برگزاری این جشنواره از سمت خودبه‌عنوان حامیان سینمافونیکس استعفا داده‌اند. در بریتانیا، سینماهای «Picturehouse» و «Curzon» بدلیل نگرانی‌های امنیتی تمام نمایش‌های مرتبط با جشنواره «Seret» را لغو کردند.



برندگان بخش نوعی نگاه کن

هیئت‌داوران بخش نوعی نگاه جشنواره فیلم کن به ریاست ژاویه دولان، یک فیلم از کارگردان چینی، گوان هورا به‌عنوان بهترین فیلم این بخش انتخاب کرد. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از ورائتی نوشت، اسمال کارگردان چینی، گوان هو با فیلم «سگ سیاه» که تلفیقی از وسترن، فیلم‌نوار و کمدی با حضور یک سگ در داستان است، جایزه بخش نوعی نگاه جشنواره فیلم کن را از آن خود کرد. جایزه نایب‌قهرمان هم به فیلم «داستان سلیمان» به کارگردانی کارگردان فرانسوی، بوریس لوژیکین اهدا شد و ابو سنگاره، بازیگر فیلم برنده جایزه بهترین بازیگر هم شد. دیگر جایزه بهترین بازیگر که بدون تمرکز بر جنسیت بازیگران اهدا شد، به بازیگر هندی آناسویا سنگویتا برای بازی در فیلم «بی‌شرم» به کارگردانی کنستانتین بویانوف رسید. جایزه بهترین کارگردانی به‌صورت مشترک به روتگوانو نیونی، کارگردان زن رامبیایی-بریتانیایی برای فیلم «هیچ» (در باره تبدیل شدن به مرغ «ربایی») و روبرتو مینرونی، مستندساز مشهور ایتالیایی برای «لعنتی»، درامی درباره جنگ داخلی آمریکا اهدا شد.

فرهنگ

CULTURE



عکس: AP

دموکراسی یا نیمه‌دیکتاتور؟

درباره نسبت اعتراض‌های دانشجویی آمریکا با رونق سیاست هویت وزوال جامعه

تمدن‌ها» در سال ۲۰۰۴ در کتاب Who are we? به مسئله فرسایش هویت آمریکایی توجه‌نشان دادوبرای پروتستان‌های برتانیایی شأنی تاسیسی در آمریکا قائل شد. از نظر هانتینگتون مهاجران برتانیایی می‌خواستند جامعه‌ای جدید در آمریکای شمالی براساس اصول «آزادی، برابری، فردگرایی، مالکیت خصوصی و دولت نمایندگی» بنیاد گذارند، بنابراین اگر کاتولیک‌های فرانسوی، اسپانیایی یا پرتغالی به‌جای پروتستان‌های بریتانیایی ساکن آمریکا می‌شدند، این کشور اینک نام دیگری داشت؛ کبک، مرکزیک بابرزل. بر همین اساس از نظر هانتینگتون، ورود افراد مهاجر از دیگر نقاط جهان در آغاز امر نقشی تعیین‌کننده در ایجاد یا تغییر هویت آمریکایی نداشته است اما اونشانه‌هایی از فرسایش هویت آمریکایی از دهه ۱۹۶۰ را در این کشور ملاحظه می‌کند. او در تحلیل این امر به مواردی چون جهانی‌شدن اقتصاد، افول جنگ سرد و کاهش اهمیت هویت ملی، تلاش نامزدهای مناصب سیاسی برای جلب نظر گروهی از رأی‌دهندگان و تمایل رهبران گروه‌های قومی برای ارتقای موقعیت سیاسی و اجتماعی خود اشاره می‌کند. جز اینها او معتقد است، نخبگان دانشگاهی و روشنفکران در انتقال و بسط حس گناه در آمریکایی‌ها نسبت به گذشته خود نقش مهمی داشته‌اند و تفاسیر نادرست از قانون حقوق مدنی ۱۹۶۴ و قانون حق رأی ۱۹۶۵ نیز با میدان دادن به آموزش‌های دوزبانه و استفاده‌های سسهیمه‌ای براساس الگوی تبعیض‌مثبت‌به‌مشکلات افزوده‌اند. نتیجه‌همه‌اینها «ملی‌دایی» از آب درآمده است که طی آن آمریکایی‌ها اینک بیشتر از آنکه‌خودرا شهروندان ایالات‌متحده تلقی کنند، اعضای‌یک‌جامعه بین‌المللی می‌دانند. با این تفاسیر، هانتینگتون بزرگترین چالش پیش‌روی آمریکا را مشکل مهاجرت‌مکزیک‌ی‌ها به این کشور و آنچه‌او «اسپانیایی‌شدن» مناطقی از ایالات‌متحده می‌نامد، می‌داند؛ امری که‌بعدتر دیدیم در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا، دونالد ترامپ بر آن انگشت نهاده و آرای قابل‌توجهی نیز برای او به ارمان آورد.

▼ دورکین و پرشی از امکان دموکراسی در آمریکا

انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا‌اظهار شخصیتی به‌نام‌ترامپ‌و‌مهمتر از آن اقبال عمومی به او، برای بسیاری از روشنفکران مایه تعجب شد. برای نمونه‌تیموتی اسنایدر کتاب «استبداد» را نوشت و‌مازتا‌نوسباوم «سلطنت ترس» را، دوقطبی ایجادشده در این انتخابات نیز نشانگر ایجاد وضعیتی جدید در این کشور بود. با این همه، هشدار نسبت به‌وضعیت‌دوقطبی در آمریکا، به‌مدت‌ها پیش از این انتخابات بازمی‌گشت. برای نمونه رونالد دورکین، فیلسوف سیاسی در سال ۲۰۰۴ و پس از پیروزی جورج بوش بر جان کری در انتخابات ۲۰۰۴، در کتاب «آیاده‌موکراسی در آمریکاممکن است؟» دعوی‌دموکرات‌های شیفته‌پیچیدگی فلسفی و جمهوری‌خواهان اصالت‌جو و دین‌خورا «به نحو چندش‌آوری تفرقه‌انگیز» نامید و از تبدیل شدن سیاست به جنگ سخن گفت: «سیاست آمریکا گرفتار وضعیت اسفناکی شده است. ما تقریباً سر هر چیز، بی‌رحمانه به هم می‌پریم. درباره ترور و امنیت، عدالت اجتماعی، جایگاه دین در سیاست، ویژگی‌های یک قاضی خوب‌و‌ماهیت‌دموکراسی‌باهم اختلاف داریم. این اختلافات، مدنی نیستند؛ هیچ کدام از دو طرف به دیگری احترام نمی‌گذارد. دیگر در مورد استقلال کشور با هم اتفاق نظر نداریم. سیاست‌ما دست‌کمی از جنگ‌ندارد.»

بەزعم دورکین «سیاست ملی هیچ کشوری مثل همایش فلسفی نیست... اما سیاست ملی ما حتی ظرفیت پذیرش معیارهای یک بحث معقول در سطح دانش‌آموزان سوم دبیرستان را هم ندارد، چه رسد به بحث‌های کلان.» از نظر دورکین راه‌حل عبور از این تنگنا، توافق بر سر دو اصل ارزش ذاتی زندگی هر انسان و مسئولیت‌ویژه

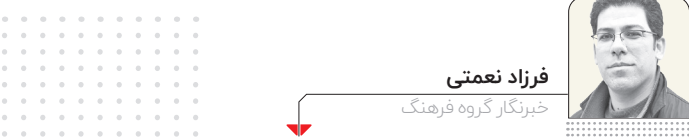
کند. پیامد این سفر اما فراتر از بحث «اصلاح زندان‌ها» اثری مهم و دوران‌ساز به‌نام «دموکراسی در آمریکا» بود که‌نویسنده‌اش با بینشی عمیق توانسته‌بود علل و دلایل پویایی نظام سیاسی آمریکا و پیوند میان حکومت و جامعه و پیامدهای آن را توضیح بدهد. در میان نکاتی که‌نظر‌توکویل را به‌شدت جلب کرد، رونق «حیات انجمنی» در آمریکا بود. توکویل دیده بود که «آمریکایی‌ها برای هر کاری انجمنی می‌سازند؛ از ساختن مدارس مذهبی تا بنای هتل، از انتشار کتاب تا ساخت بیمارستان و زندان، از فرستادن هیات‌های مبلغ به مدارس تا حتی برای فراهم‌آوردن سرگرمی، اودر این زمینه‌نوشت: «آمریکایی‌ها از هر سن و سالی، در هر شرایطی و‌با هر گزایشی یکسره در کار تشکیل انجمن هستند؛ آن‌هم نه‌فقط انجمن‌های تجاری یا تولیدی که در آن همه کم‌و‌بیش مشارکت می‌کنند، بلکه هزاران نوع دیگر که شامل انجمن‌های مذهبی، اخلاقی، جدی، ناقص، کلی، اختصاصی، خرد و کلان می‌شوند.» اهمیت این قضیه برای توکویل این بود که: «در همه جاها و کارهایی که به‌طور مثال در فرانسه حکومت در رأس آن حضور دارد یا در انگلیس فردی عالی‌مقام کار را می‌گرداند، در آمریکا به‌طور قطع یک‌انجمن می‌بینید.» اوبه‌درستی در این‌تکثرانجمن‌ها، قدرت‌یابی شهروندان و مشارکت آنها در ساخت اجتماعی‌را می‌دید؛ امری که به‌توازن قدرت دولت و جامعه می‌انجامید و آزادی، برابری و دموکراسی را‌باید از پیامدهایش دانست، نه‌محرك آن. به‌همین دلایل متفکر فرانسوی نوشت: «در جوامع دموکراتیک این علم تشکیل انجمن‌ها مادر همه علوم است» و نتیجه گرفت: «اگر ملتی بخواهد که متمدن بشود یا متمدن بماند، باید در کنار گسترش برابری هنر گرد هم آیند در انجمن‌ها را نیز رشد و ارتقا بدهد.»

▼ هشدار پاتنام به افول سرمایه اجتماعی در آمریکا

در آغاز قرن بیستم رابرت پاتنام کتابی با نام «بولینگ تک‌نفره» منتشر کرد و در آن نشان داد که سرمایه اجتماعی در آمریکا از دهه ۱۹۶۰ رویه افول بوده است. آنچه پاتنام از سرمایه اجتماعی مراد می‌کرد، ارتباطی معنادار با همان حیات انجمنی مورد نظر توکویل دارد، بنابراین می‌توان گفت صحت داده‌ها و ادعاهای پاتنام می‌توانست نشانه‌ای نگران‌کننده درباره افول دموکراسی در آمریکا نیز قلمداد شود. مطالعه پاتنام حاکی از آن است که در جامعه آمریکا در دهه‌های اخیر مواردی چون شرکت در انتخابات، مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه، عضویت در انجمن‌ها، پیگیری مسائل سیاسی روز، خواندن روزنامه، رفتن به کلیسا و باشگاه‌ها و اعتماد عمومی کاهش پیدا کرده است. نتیجه‌گیری پاتنام همچنین حامل این پیام هشداردهنده است که پیامدسیاسی افول سرمایه اجتماعی، تضعیف خصلت مردمی میدان سیاست و جایگزینی جامعه مدنی با سیاستمداران حرفه‌ای و شرکت‌های بزرگ در این حوزه است. در چنین تفسیری یافتن عوامل مؤثر بر کاهش سرمایه اجتماعی نیز اهمیت پیدا می‌کند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد عواملی اصلی این امر معضلاتی چون تبعیض‌های نژادی علیه سیاهان و رنگین‌پوستان و میزان بالای نابرابری‌های اقتصادی هستند و در کنار آنها، می‌توان به عواملی دیگر چون گسترش استفاده از تلویزیون، گسترش زندگی در حومه‌شهرهای مرکزی و اشتغال بیشتر زنان در مشاغل خارج از خانه هم اشاره کرد.

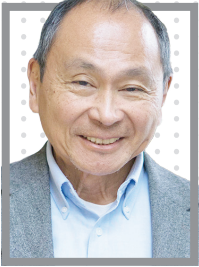
▼ نگرانی هانتینگتون از ملی‌زدایی در آمریکا

تاأمل درباره وضعیت عمومی جامعه آمریکا از همان آغاز قرن بیستم محل توجه متفکران دیگری نیز بوده است. به‌خصوص بعد از حملات ۱۱ سپتامبر این امر خود را در قالب ضرورتی غیرقابل اجتناب نشان می‌داد. برای نمونه ساموئل هانتینگتون، واضع نظریه «برخورد



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ



فوکویاما در ریشه‌یابی ماجرای آمریکای امروز به دهه ۱۹۶۰ باز می‌گردد؛ دهه‌ای که در آن جنبش‌های اجتماعی قدرتمندی چون جنبش حقوق مدنی و جنبش فمینیستی شکل گرفت و بعدتر جنبش‌های زیست‌محیطی و جنبش‌های حامی حقوق معلولان، بومیان آمریکایی، مهاجران، همجنس‌خواهان زن و مرد و ترانجسیتی‌ها نیز بدین سیاهه افزوده شدند. بر این شرایط در آمریکا بیافزاید، جنبش ۱۹۶۸ فرانسه را. از نظر فوکویاما، در چنین وضعیتی سیاست هویتی مدرن زاده می‌شود

▼ دلایل تحلیل توکویل از دموکراسی آمریکایی

الکسی دو توکویل در نیمه نخست قرن نوزدهم مأموریت یافت تا با سفر به آمریکا گزارشی از نحوه اداره زندان‌ها در این کشور تهیه